

موضوع بحث : فعل از نظر نوع حروف اصلی (صحیح-معتل)

*** فعل از نظر نوع حروف : الف) صحیح (ب) معتل

الف) فعل صمیم شامل: مضاعف ، مهموز، سالم می باشد.

فعل مضاعف: فعلی است که دو حرف از حروف اصلی آن هم جنس باشد. که یا مقرون است یا مفروق

مقرون: مدد ← مدّ شدد ← شدّ مفروق: زَلَزَلَ وَسَوَّسَ

فعل مهموز: فعلی است که یکی از حروف اصلی آن همزه باشد.

مهموز الفاء (اولین حرف همزه دار): اَمِنَ مهموز العين (دومین حرف همزه دار): سَأَلَ مهموز اللام (سومین حرف همزه دار): قَرَأَ
فعل سالم: فعلی است که نه مضاعف باشد نه مهموز مانند: كَتَبَ، خَرَجَ، دَخَلَ و... .

ب) فعل معتل: فعلی است که صحیح (مضاعف، مهموز، سالم) نباشد و یکی از حروف اصلی آن حرف عله باشد. حروف عله ← الف - و - ی

* فعل معتلی که اولین حرف از حروف اصلی آن حرف عله باشد **معتل مثال** می نامند. وَدَعَّ، وَعَدَّ، يَفْنُ

* اگر دومین حرف آن عله باشد **معتل اجوف** می نامیم. قَالَ، خَافَ، باعَ

* اگر سومین حرف آن عله باشد **معتل ناقص** نامیده می شود. يَتَلَوُ، رَضِيَ، عَفُوَ

* فعل معتلی که 2 حرف از حروف اصلی اش حرف عله باشد لفیف می نامند؛ لفیف مقرون: طَوَّى (پيچاند) - نَوَّى (فصدکرد) لفیف مفروق: وَلَّى - وَقَّى

فعل معتل مثال

ماضی: فعل مثال در ماضی بدون هیچ تغییری همانند فعل های صحیح صرف می شود: وَعَدَ - وَعَدَا - وَعَدُوا * وَعَدَتَ - وَعَدَتَا - وَعَدْنَ ...

مضارع: در مضارع مثال، حرف عله از تمام صیغه ها حذف می شود: يَعِدُ - يَعِدَانِ - يَعِدُونَ * تَعِدُ - تَعِدَانِ - يَعِدْنَ ...

امر: چون فعل امر از مضارع (6 صیغه مخاطب) ساخته می شود بنابراین در فعل امر نیز حرف عله از تمام صیغه ها حذف می شود:

عِدْ - عِدَا - عِدُوا * عِدِي - عِدَا - عِدْنَ

فعل معتل أجوف

ماضی: در فعل أجوف ماضی، حرف عله از صیغه شش به بعد حذف می شود. (به علت التقای ساکنین: هرگاه حرف عله ساکن، به حرف ساکن دیگر برسد حرف عله را

حذف می کنیم). (قَ وَ لَ) قَالَ - قَالَا - قَالُوا * قَالَتْ - قَالَتَا - قَالْنَ
قُلْتُ - قُلْتُمَا - قُلْتُمْ * قُلْتُ - قُلْتُمَا - قُلْتُنَّ قُلْنَا

نکته: اگر فعل معتل، أجوف واوی باشد حرکت اولین حرف ضمه (ُ) می گیرد و اگر أجوف یایی باشد حرکت اولین حرف کسره (ِ) می گیرد.

(بَ يَ عَ) باعَ - باعا - باعُوا * باعَتْ - باعْتا - باعنَ ...

مضارع: هنگام صرف فعل مضارع أجوف، حرف عله را از صیغه 6 و 12 حذف می کنیم. (اول اعلال به اسکان، بعد اعلال به حذف)

يَقُولُ - يَقُولَانِ - يَقُولُونَ * تَقُولُ - تَقُولَانِ - تَقُولُونَ * تَقُولِينَ - تَقُولَانِ - تَقُولْنَ أَقُولُ - أَقُولَانِ

امر: در فعل امر أجوف، حرف عله فقط از صیغه های 1 و 6 حذف می شود. قُلْ - قُولَا - قُولُوا * قُولِي - قُولَا - قُلْنَ

فعل معتل ناقص

ماضي: در فعل ماضی ناقص، حرف عله در صیغه های 3، 4 و 5 حذف می شود.

نکته: هرگاه حرف عله «و - ی» به یکی از ضمیرهای واو - یاء برسد حرف عله را حذف می کند.

(دَعَوْا) دَعَا - دَعَا - دَعَا * دَعَتَ - دَعَتَا - دَعَوْنَ دَعَوْتُ - دَعَوْتُمَا - دَعَوْتُمْ * دَعَوْتِ - دَعَوْتُمَا - دَعَوْتُنَّ دَعَوْتُ - دَعَوْنَا

صیغه 3: دَعَوُوا = دَعَا صیغه 4: دَعَوْتُ = دَعَات = دَعَت (به علت التقای ساکنین)

مضارع: در فعل مضارع ناقص بعلت رسیدن حروف عله به ضمیرهای واو و یاء، حرف عله را حذف می کنیم. (صیغه های 3 و 9 و 10)

يَدْعُو - يَدْعُوَانِ - يَدْعُونَ * تَدْعُو - تَدْعُوَانِ - تَدْعُونَ * تَدْعِينَ - تَدْعُوَانِ - تَدْعُونَّ أَدْعُو - أَدْعُون

توجه: در صیغه های 3 و 9 واو به عنوان ضمیر فعل است نه حرف عله! * صیغه هایی که از نظر شکل ظاهری همانند هم هستند از طریق ضمیرهای منفصل موجود در جمله تشخیص داده می شوند.

امر: برای ساخت فعل امر، حروف مضارعه را حذف و آخر فعل را مجزوم می کنیم. در فعل معتل ناقص حرف عله را حذف می کنیم:

تَدْعُو ← أَدْعُ تَدْعُوَانِ ← أَدْعُوا تَدْعُونَ ← أَدْعُوا تَدْعُونَّ ← أَدْعُونَّ

برخی از افعال معتل مثال:

وَجَدَ (یافت) - وَهَبَ (بخشید) - وَضَعَ (قرار داد) - وَعَدَ (وعده داد) - وَصَلَ (رسید) - يَقِنَ (یقین کرد) - يَسِرَ (آسان شد) - وَقَفَ (ایستاد) - وَرَثَ (ارث بُرد) - وَجَزَ (مختصر گفت) - وَصَفَ (وصف کرد) - وَحَدَّ (یگانه شد) - وَوَلَدَ (زائید) - وَسَخَّ (وسیع شد) - وَجَبَ (واجب شد)

برخی از افعال معتل أجوف:

قَالَ (گفت) - تَابَ (توبه کرد) - رَوَّحَ (راح رفت) - قَامَ (ایستاد) - باعَ (فروخت) - ذَاقَ (چشید) - فَاحَ (پراکنده شد) - صَادَ (شکار کرد) - عاشَ (زندگی کرد) - دَارَ (چرخید) - زَالَ (از بین رفت) - عادَ (بازگشت) - غَابَ (پنهان شد) - نامَ (خواهید) - خَافَ (ترسید) - نَالَ (دست یافت) - كَانَ (بود) - كَادَ - كَيْدَ (فريب داد) - فازَ (پیروز شد) - صامَ (روزه گرفت)

برخی از افعال معتل ناقص:

دَعَوَ (خواند) - رَضِيَ (خشنود شد) - أَتَى (آمد) - قَضَى (قضاوت کرد) - بَكَى (گریست) - رَجَوَ (امیدوار شد) - عَصَى (نافرمانی کرد) - عَفَوَ (بخشید) - شَفَى (شفا یافت) - جَرَى (جاری شد) - تَلَوَ (تلاوت کرد) - هَدَى (هدایت کرد) - لَقِيَ (برخورد کرد) - عَلَوَ (برتری یافت) - رَمَى (پرتاب کرد)

برخی از افعال معتل لفيف: رَوَى (نقل کرد) - نَوَى (قصد کرد) - وَقَى (حفظ کرد) - وَصَى (سفارش کرد)